

مطالعه تطبیقی شیوه‌های رویکرد دوکارگردان به تئاتر شرق: وسوالد میرهولد، ادوارد گوردن کریگ*

مهدی حامد سفایان**، صابرعاقلی

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۶/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۵/۲۶

*نویسنده مسوول

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان « رویکرد به تئاتر شرق با تأکید بر نظریات میرهولد، کریگ و برشت» می‌باشد که توسط نگارنده دوم و به راهنمایی نگارنده اول در دانشگاه تربیت مدرس تهران به انجام رسیده است.

مطالعه تطبیقی شیوه‌های رویکرد دوکارگردان به تئاتر شرق: وسوالد میرهولد، ادوارد گوردن کریگ

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

کارشناس ارشد کارگردانی تئاتر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مهدی حامد سقاییان

صابر عاقلی

چکیده

در این مقاله در ابتدا ضمن بررسی ویژگی‌های نمایش‌های شرقی از نظر شیوه‌ها و ترفندهای اجرایی، نقاط عمده‌ی مشترک میان آنان دسته‌بندی و معرفی می‌شوند. سپس به نحوه‌ی بهره‌گیری دو کارگردان و نظریه‌پرداز برجسته‌ی تئاتر جهان در نیمه‌ی اول قرن بیستم - وسوالد میرهولد و ادوارد گوردون کریگ - از نمایش‌های شرقی پرداخته‌ایم. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، به این سوالات اساسی پاسخ گفته می‌شود که میرهولد و کریگ چگونه از فرم و شیوه‌های اجرایی تئاتر شرق به‌ویژه جنبه‌های شیوه‌پردازانه‌ی آن بهره برده‌اند؟ و مقایسه‌ی رویکرد این نظریه‌پردازان به تئاتر شرق به چه نتایجی منتج می‌شود؟

در نتیجه‌ی مقاله چنین آمده است که برای میرهولد اصول و قواعد شیوه‌پردازی و تأکید بر بازیگر به‌ویژه تربیت جسمانی وی اهمیت بیشتری داشته است. این موضوع در شیوه‌ی بیومکانیک میرهولد بازتاب می‌یابد. اما کریگ برای رهایی از رئالیسم و باززایی اصول کهن تئاتری به شرق اعتنا می‌کند. قراردادهای نمایش شرقی به دلیل ماهیت رمزآمیز و نمادگرایانه زمینه‌ی مناسبی را برای ضدیت با واقع‌گرایی برای کریگ فراهم می‌آورد. هم‌چنین تئاتر شرق در نظریات او در طراحی صحنه و در پرداخت فضای دیداری و شنیداری نمایش انعکاس بیشتری داشته است.

واژگان کلیدی: تئاتر شرق، شیوه‌پردازی، وسوالد میرهولد، بیومکانیک، ادوارد گوردون کریگ، آبروسک (نظریه).